

افغانستان و شانگهای؛ فرصت ها و تهدیدها

عبدالرحمن فهیمی

کشورهای عضو می توانند از این کشور تسلیحات را خریداری نمایند.
ج. فرهنگی
کشورهای عضو سند مشترک همکاری های فرهنگی را امضا کرده و در سال ۲۰۰۵ نیز نشست و برنامه مشترک را راه اندازی روسیه کشورهای آسیای مرکزی را به مثابه حیات خلوت خود فرض کرده و هر گونه بیپایش تهدید سر مرزهای این کشورها را به معنای تهدید در برابر خود می پندارد.
افراط گرایی به معنای «تفکر افراطی» که منجر به عمل تروریستی می گردد، در قلمرو همه کشورهای عضو وجود دارد. چین و روسیه به صورت جدی با این مشکل مواجه هستند.
جدایی طلبی تهدید کلان دیگری است که کاخ نشینان پکن و مسکو را نگران کرده است. سر روسیه جدایی طلبان «چچن» تمایلی استقلال سر می دهند و در چین تایوان مدت هاست که اطاعت پذیری مشخص از پکن نهدارد و تمایلی جدایی سر می دهد و نیز جدایی طلبان تبت خواهان استقلال هستند.
از این رهگذر این سه مؤلفه، تهدیدهایی مشترک امنیتی است که همه را درگیر جمع کرده و وداشته که به صورت مشترک مبارزه کنند.
ب. اقتصادی
در بخش اقتصادی، تمرکز بر بسط و گسترش بازرگانی و دساح و سند میان کشورهای سازمان است. هدف این است که سهولت های در زمینه بازرگانی فراهم گردد. طرح دولت چین «منطقه ای آزاد بازرگانی» و طرح دیگر تحت عنوان «باشگاه مشترک انرژی» از سوی دولت روسیه مطرح شده و این دو طرح در دست اجرا می باشد(۷).
به نظر می رسد که کشورهای عضو به خوبی توانایی ها و ظرفیت های همدیگر را درک می کنند. چین از یک سو نیازمند مواد خام و از سوی دیگر نیازمند فروش کالاهای تولید شده اش است و روسیه و دولت های آسیای مرکزی دسارای منابع طبیعی فراوان و نیازمند کالاهای صادراتی چین هستند. از سوی دیگر روسیه در زمینه صنایع نظامی دست بالایی دارد و

پنجشنبه و جمعه هفته که گذشت، پانزدهین نشست «سازمان همکاری های شانگهای» در مسکو برگزار گردید. هیئت سیاسی که در رأس آن «محمد اشرف غنی» رییس جمهور قرار داشت، از افغانستان ناظر» در این سازمان حضور دارد و همه ساله هیئت سیاسی بلند پایه در نشست های اش شرکت می کند. این نوشتار در پی شناسایی و واکاوی فرصت ها و تهدیدهایی همکاری افغانستان و این سازمان است.
۱. درنگ بر سازمان های بین المللی
سازمان بین المللی عبارت از «اجتماع کئند»(۱)، همان گونه که در تعریف بازتاب یافته است، همکاری و تعقیب اهداف مشترک، بنیاد گروه می آید دولت - کشورها در چهارچوب سازمان بین المللی است. سازمان بین المللی از نظرگاه های متفاوت و مختلف تقسیم پذیر است. از نظرگاه «موضوع»، به سازمان های خاص و عام، از نظرگاه «اختیارات و صلاحیت» به سازمان های دارای صلاحیت ها و اختیارات گسترده و سازمان های دارای صلاحیت ها و اختیارات محدود و از نظرگاه «جغرافیایی» به سازمان های جهانی، منطقه ای - قاره - و میان منطقه ای - قاره - تقسیم می شوند(۲).
کتاب فلسفی برسر تاثیرگذاری سازمان های بین المللی در سیاست بین الملل با هم اختلاف نظرهای جدی دارند. در حال که مکتب رئالیسم(واقع گرایی) به «دولت محوری» تاکید نموده و باورمند است که تنها «بازیگران سیاسی» در سیاست بین الملل، دولت هاست، نه بازیگران دیگر، مکتب لیبرالیسم(آیده آلیسم) در کنار دولت های ملی به عنوان بازیگر در عرصه سیاست بین المللی، «سازمان» های بین المللی را نیز مطرح کرده و نمی تواند تاثیرگذاری آن ها را از نظر اندازه(۳) با نگاه به وضعیت و شرایط سیاسی حاکم پس از جنگ دوم جهانی و جنگ سرد، شاهد نقش بیشتر سازمان های بین المللی

سرمقاله

شانگهای فرصتی برای همگرایی منطقه ای

حفیظ الله زکی

جنگ ها و ناامنی ها در افغانستان ریشه های بیرونی دارد که برخی از کشورهای منطقه و جهان در دامن زدن به ناامنی ها همواره نقش داشته اند. مردم افغانستان شاهد تجاوزها، دخالت های نامشروع و جنگ های نیابتی زیادی بوده اند که از خارج بر مردم این کشور تحمیل شده و زندگی، امنیت و آسایش این مردم را بریاد داده است.
جنگ های فعلی هم ریشه های خارجی دارد و مخالفان و هراس افکنان از کشورهای خارجی تمویل می شوند و در کشورهای خارج آموزش می بینند و از خارج برای شان اسلحه و امکانات می رسند. در جریان دقیق ترین اطلاعات فرار می گیرند و دقیق ترین تاکتیک های نظامی و استخباراتی را یاد می گیرند و به مرحله اجرا می گذارند.
وقتی جنگ تحمیل شده از سوی کشورهای خارجی باشد، راه حل آن هم، با توجه به نوع و وسعت جنگ، باید منطقه ای و یا بین المللی باشد. این که در شش سال گذشته تلاش های صلح طلبانه، کمترین دستاوردی برای افغانستان نداشت، یکی از عمده ترین دلایل آن این بود که ما به شاخه های ناامنی توجه کردیم و به مناصب بی اراده و غیر مؤثر گروه های هراس افکن تکیه کردیم و به آنها امتیاز دادیم و نامشان را از لیست سیاه سازمان ملل حذف کردیم، برادر خطاب کردیم و به آنها پاداش های بی حساب و کتاب دادیم.
رییس جمهور فعلی قطعاً به این درک رسیده است که صلح در افغانستان بدون همکاری کشورهای منطقه و جهان نا ممکن می باشد. به همین خاطر رابطه با کشورهای چون عربستان، قطر، چین، پاکستان، هند و ایران را در اولویت قرار داد.
امروز هم با تلاش و همکاری همین کشورها نخستین مذاکرات صلح به میزبانی پاکستان در اسلام آباد برگزار می شود. این مذاکره صرف نظر از نتایج آن، گامی به پیش محسوب می شود.
طلباان و شبکه حقانی تاهنوز حکومت افغانستان را به رسمیت نمی شناختند و هر نوع مذاکره با حکومت افغانستان را مردود می شمردند. در حال حاضر همین که این گروه به صورت مستقیم و رود رو با حکومت افغانستان وارد مذاکره شده اند، نشان می دهد که کشورهای دینوفذ بر این گروه ها فشار وارد کرده اند تا با حکومت افغانستان بر سر میز مذاکره نشسته و فاز گفتگوهای سیاسی را برای رسیدن به یک توافق سیاسی باز کنند.
این مذاکره نشان داد که سرچشمه جنگ و صلح افغانستان را باید در خارج از مرزهای این کشور جست، تلاش های داخلی در این زمینه کارساز نخواهد بود. ولی با توجه به اختلافاتی که در عرصه های سیاسی، اقتصادی و امنیتی میان کشورهای منطقه وجود دارد، بازی کردن نقش مثبت در سیاست های پیچیده و پر از تعارض منطقه ای نیز کار دشواری خواهد بود. رییس جمهور باید در همین حال متوجه این باریکی ها و حساسیت های منطقه ای نیز باشد.
از اینرو تکیه کردن روی سازمان های منطقوی و تعقیب سیاست های امنیتی در چارچوب راهبردهای این سازمان ها می تواند از یک طرف حساسیت کشورها را کاهش دهد و از سوی دیگر آنها را در طرح کلان امنیت منطقه ای و از جمله افغانستان ترغیب و تشویق نماید. از اینرو مناسبات و همکاری های دو جانبه با کشورهای منطقه با عنایت به تعارضاتی که در سیاست های راهبردی این کشورها وجود دارد، پروسه صلح را به شکل و شمایل دیگر تداوم خواهد بخشید. با توجه به این پاکستان و هند هم در آینده به سازمان شانگهای خواهد پیوست، همکاری و همراهی افغانستان با این سازمان می تواند حمایت این دو کشور را از برنامه های صلح افغانستان جلب نماید. نکته مهم این است که کشورهای عضو شانگهای اغلب امنیت افغانستان در امنیت کل منطقه مؤثر می دانند و منافع خود را در امنیت و ثبات این کشور جستجو می کنند و این یک پرامتر قوی و مثبت برای پذیرش خواست حکومت افغانستان از سوی سازمان شانگهای خواهد بود.

۲. اقتصاد
چین به مواد خام افغانستان را آینده و نیز به صصور کالاهای بازرگانی اش نیاز دارد. در عوض، هم چین و هم دیگر کشورهای عضو نیازمند برخی اقلام صادراتی کشور، تسلیحات اش را به افغانستان به فروش برسانند. افغانستان به مواد نفتی و گاز و حتی برق کشورهای آسیای مرکزی نیازمند است و این امر همکاری و وابستگی اقتصادی جدی را پدید آورده است.
۲. تهدیدها
فکر می کنیم کلان ترین تهدید، سایه رقابت های کلان و استراتژیک آمریکا با دو قدرت منطقه ای روسیه و چین است. آمریکا درخواست عضویت ناظر را در سازمان شانگهای مطرح کرده بود، اما این درخواست در سال (۲۰۰۵) از سوی سازمان رد گردید.
این امر نشان می هد که رقابت ها میان آمریکا و چین در قدرت برجسته بوده و نمی توان سایه آن را از با سام مواضع و سیاست های شانگهای دور کرد.
از این نظر، بیسم و تهدید که وجود دارد این است که رقابت های سیاسی میان این کشورها، همکاری های امنیتی و اقتصادی میان افغانستان و شانگهای را تحت تاثیر قرار دهد و مانع موفقیت ها و همکاری های درست گردد.
در حال که داعش به عنوان کلان ترین تهدید در حال نفوذ گذاری است اگر رقابت ها به عنوان یک سایه، همکاری ها را متاثر نماید، تلاش های منطقه ای «داعش ستیزی» به صورت جدی پی گیری نخواهد شد.
۱. بیایسی یکدلی، محمد رضا، حقوق بین الملل عمومی، ج ۳، تهران: گنج دانش، ۱۳۸۸، ص ۲۳۴.
۲. همان، ص ۲۳۷.
۳. سرجانی، عبدالقیوم، جزوه اصول روابط بین الملل، ترم اول، سال ۱۳۸۹.
۴. fa.wikipedia.org/wiki/۵. همان
۶. همان
۷. همان
۸. همان

هویت های قومی، انسجام اجتماعی، امنیت ملی

بهراد رضوی ال هاشم

مقدمه و طرح مسئله
با مطرح شدن بحث جهانی شدن، سو پدیده ی کلاما متضاد، ذهن سیاست مداران را به خود مشغول ساخته است. از یک طرف برخی کشورها با بلوک بندی های اقتصادی و منطقه ای نظیر اروپای متحد، حرکت به سوی همگرایی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را آغاز کرده و از سوی دیگر رشد جریان هویت خواهی قومی در بخشی از مردمش جهان با شکستن مرزهای سیاسی و پانهاسن سر محدوده ی قومی باعث یک نوع واکرایی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شده و تجزیه ی دولت - ملت ها را به دنبال دساشته است. علی رغم پیش بینی بسیاری از متخصصان توسعه و ناظران بین المللی دسرده های ۶۰ و ۷۰، نوسازی کشورها در سطح گسترده، نه تنها کمکی به زوال احساسات قومی و محلی

گرایانه نکرده، بلکه در بسیاری زمینه ها، این احساسات را تشدید نموده است. از این روست که اهمیت موضوع قومیت نه تنها در قلمرو جهان سوم، بلکه در دموکراسی های فرا صنعتی اروپای غربی و امریکای شمالی و ملل کمونیست سابق چون اروپای شرقی و چین نیز به منازعات خونت باری منجر شده است. شرایط ساختاری که موجب بروز سیاست قومی منطقه ای می گردند، علل بلاواسطه ای که منازعات قومی را تسریع می کنند و اشکالی که منازعات مبتنی بر قومیت به خود می گیرند، دسر بین کشورها و درون جهان صنعتی، جوامع کمونیست سابق و جهان سوم تفاوت بارزی باهم دسارند. اما واضح است که نفوذ تجدد در سطح جهان، توانسته موضوع قومیت را به عنوان منبع ایجاد منازعات سیاسی از دسرجه ی اعتبار ساقط سازد. به نظر می رسد که اهمیت آن حتی بیش از پیش شده است.
سیاست گذارانی که طی دهه ها، رویادهای جهان را از منظر جنگ سرد مشاهده می کردند، اکنون شاهد جهانی هستند که دسر آن ملی گرایی و تمایلات قومی، منبع اولیه ی دسرگیری های مسلحانه شده و فرسایش جهانی قدرت دولت- ملت ها را به دنبال داشته است. مطالعات انجام شده در مورد ناسیونالیسم قومی یعنی عقیده بر اینکه حاکمیت مردم باید دسر اختیار اعضای گروه قومی خودشان قرار گیرد، دسر سال های اخیر نشان می دهد که تنها دسر ۱۴ کشور جهان اقلیت قابل توجهی وجود ندارد و در این میان تنها ۴ درصد جمعیت جهان در کشورهایی زندگی می کنند که دارای یک گروه قومی هستند.
دسر واقع بسیاری از کشورهای جهان چند قومیتی و چند فرهنگی هستند (قاسمی، ۱۳۸۰).
«واکوتور» دسر مورد ناهمگونی قومی دسر سال ۱۹۷۲ یاسآور شده است که از مجموع ۱۲۲ ملت- کشور موجود در آن زمان، تنها ۱۲ مورد (۱۹/۹ دسرصد) از نظر قومی همگن بوده اند؛ دسر حالی که دسر ۲۵ مورد (۱۸/۹ دسرصد) یک گروه قومی بیش از ۹۰ دسرصد جمعیت کشور را شامل می شود و ۲۵ مورد دیگر نیز یک گروه قومی تنها ۵۰ تا ۷۴ دسرصد جمعیت را دربر گرفته است. دسر ۳۹ مورد باقیمانده (۲۹/۵ دسرصد) تنها گروه قومی عمده چیزی کمتر از نصف جمعیت را شامل شده است. در ۵۲ کشور ۴۰ درصد جمعیت به ۵ گروه عمده قومی تقسیم شده که

بسیار فراتر از آن است.
دسر واقع عناصر اساسی که هویت ملی بر مبنای آن قرار گرفته به شرح زیرند: «سرمزبنی، مشترک، منافع اقتصادی، تولیدی، پول مشترک، منافع سیاسی و امنیتی مشترک، دولت مشترک، احساس مشترک و دفاع از آنها» (برتون، ۴: ۱۳۸۰) استدلالی که این مقاله بر مبنای آن قرار دارد این است که صرف وجود قومیت در هر کشوری، خود به خود به معنی وجود منازعه ی قومی نخواهد بود. بلکه هویت فرهنگی هنگامی به پایگاهی برای جنبش های سیاسی و کشمکش تبدیل می شود که نظام تمایز تبعیض آمیز دسر میان اقوام قرار گیرد. ماهیت روابط یک گروه قومی با کلیت جامعه و گروه های دسررون آن یکی از مشکلات عمده دسر توصیف و تحلیل این گونه جوامع است. «روت بندیکت» دسر باره ی منازعه ی نژادی می گوید: «این نژاد نیست که باید دسانسته شود، بلکه این منازعه است که باید شناخته شود. برای درک گروه های قومی دسر یک نظام اجتماعی لازم نیست بر تفاوت های نژادی و فرهنگی تمرکز کنیم بلکه باید به روابط گروهی توجه شود.» (برزویی، ۲۵: ۱۳۷۸). ویژگی مشترک جنبش های ناسیونالیستی مساعیه ی خودگردانی، استقلال و نارضايتی از وضع موجود است. این امر مبین نارضايتی آنها از وضع امنیت، موفقیت اقتصادی یا

مشارکت سیاسی و اجتماعی است. امروزه بحث قومیت و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی آن از اهمیت خاصی برخوردار شده است. این مهم از آن جهت مود و تجلی می یابد که منطقه ی خاورمیانه علاوه بر اهمیت استراتژیک و منابع خدادادسی، دسارای تنوعات گسترده ی قومی، نژادی و فرهنگی است. در این میان ایران و همسایگان آن به نحو گسترده ای

روزنامه افغانسان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.
هئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.
مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانسان میباشد.
روزنامه افغانسان بخش دری و پشوی روزنامه اوت لوک افغانسان است.

روزنامه: امتیاز: داکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کارکاتوریست: خالق علی زاده
دیزاین: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی
مسئول وب سایت: محمد علی بهرامی
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهارم، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

روزنامه افغانستان
The Daily Afghanistan
دردی Outlook
AFGHANISTAN
The Leading Independent Source

